

**The depletion of masculine voices in Persian and Arabic
novels by the application of feminine signs
(Case Study: “Riyadh Girls” Raja Abdollah Alsane’ and
“My Bird” Fariba Vafi)**

Javad Garjami*

Ali Abbasalizadeh**

Abstract

Feminine writing is a systematic linguistic action by feminist authors to prove feminine identity in the text and a reaction to masculine linguistic domination called masculine voice. This important case is realized just through the frequent application of feminine signs and subsequently to the recognition of the feminine voice in order to provide a feminine pattern of writing by emptying the [single] masculine voice in the text. Feminine signs are a set of linguistic constructs that convey the ideas of femininity to the audience. In the present research, these signs are examined in the form of six patterns: feminine specific names, feminine specific tools, feminine specific places, feminine specific experiences and skills, feminine specific colored words and feminine attributes. Current research attempts to study the process of depletion of the masculine voice with descriptive-analytic approach through the application of feminine signs in Persian and Arabic stories. Case Study are novels of “Riyadh Girls” by Raja Abdollah Alsane’ and “My Bird” by Fariba Vafi. The results of the study suggest that both novels have a feminine voice in the high frequency

* Associate Professor, Department of Arabic Language and Literature, Mohaghegh Ardabili University (Corresponding Author), J_garjami@uma.ac.ir

** Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Fasa University, alizadeh2015@yahoo.com

Date received: 12/08/2020, Date of acceptance: 24/10/2020

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

application of feminine signs, and both authors have had different experiences in applying their signs to their stories; so that in the novel "Girls of Riyadh" among the 248 female signs included in the story, the particular female colored word are more frequent with 70 times application. On the other hand, in the novel "My Bird" among the 258 female signs included in the story, the particular female specific names are more frequent with 124 times application.

Keywords: Feminine Writing, Feminine signs, "My Bird", "Riyadh Girls".



تهی‌شده‌گی صدای مردانه در رمان‌های فارسی و عربی با کاربست نشانه‌های زنانه (مورد پژوهانه: «پرنده من» فریبا وفی و «دختران ریاض» رجاء عبدالله الصانع)

جواد گرجامی*

علی عباسعلی‌زاده**

چکیده

نوشتار زنانه نوعی کنش زبانی نظام‌مندی است از سوی نویسندگان فمینیست در راستای اثبات هویت زنانگی در متن و واکنشی است در برابر سلطه زبانی مردانه موسوم به صدای مردانه. این مهم به واسطه کاربست پریسامد نشانه‌های زنانگی و بدن‌بال آن تشخص بخشیدن به صدای زنانه تحقق می‌یابد تا به‌موجب آن با تهی کردن [تک] صدایی مردانه در متن، الگویی زنانه از نوشتار ارائه دهد. نشانه‌های زنانه، مجموعه‌ای از ساخت‌های زبانی است که انگاره‌های زنانگی را به مخاطب انتقال می‌دهد. در جستار حاضر، این نشانه‌ها در قالب الگوی شش‌گانه: اسامی خاص زنانه، ابزارهای خاص زنانه، فضاهای خاص زنانه، تجربه‌ها و مهارت‌های خاص زنانه، رنگ‌واژه‌های خاص زنانه و صفت‌های خاص زنانه مورد بررسی قرار می‌گیرد. این پژوهش سعی دارد تا با اتخاذ رویکرد توصیفی - تحلیلی در قالب روش کمی - کیفی و با الگوگیری از زیان‌شناسی اجتماعی، فرآیند

* دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه محقق اردبیلی (نویسنده مسئول)، J_garjami@uma.ac.ir

** استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فسا، alizadeh2015@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۲۵، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۲۴

تهی‌شده‌گی صدای مردانه را در تقابلی دوسویه و دیالکتیک با برجستگی صدای زنانه و به‌واسطه کاربست پربسامد نشانه‌های زنانه در دو رمان «پرنده من» فریبا و فی و «دختران ریاض» رجاء عبدالله صانع بررسی نماید. نتایج پژوهش گویای آنست که در هر دو رمان، نویسندگان بر آن بوده‌اند تا با کاربست پربسامد نشانه‌های زنانگی، صدای زنانه را به گفتمان غالب متن داستانی تبدیل کنند و به موازات آن، با تقلیل نشانه‌های مردانگی، به تهی‌شده‌گی صدای مردانه در فضای روایت داستانی بپردازند. هر دو نویسنده در نحوه به‌کارگیری این نشانه‌ها در داستان‌هایشان تجربه متفاوتی داشته‌اند؛ بدین ترتیب که در رمان «دختران ریاض» و در تقابل ۲۴۸ مورد نشانه زنانه حاضر در داستان با ۵۵ مورد نشانه مردانه، رنگ‌واژه‌های خاص زنانه با ۷۰ بار فراوانی، بیشترین بسامد را دارد. در سویی دیگر؛ در رمان «پرنده من» و در تقابل ۲۵۸ مورد نشانه زنانه حاضر در داستان با ۷۴ مورد نشانه مردانه، اسامی خاص زنانه با ۱۲۴ بار فراوانی، بیشترین بسامد را دارد.

کلیدواژه‌ها: تهی‌شده‌گی صدای مردانه، برجستگی صدای زنانه، نشانه‌های زنانه، «پرنده من»، «دختران ریاض».

۱. مقدمه

از دیدگاه زبان‌شناسی اجتماعی، جنسیت یکی از عوامل اجتماعی است که باعث تفاوت زبانی و تفاوت در سبک نوشتار می‌شود (ر.ک؛ مدرسی، ۱۳۶۸: ۱۶۰). بر این اساس، می‌توان زبان را برساخته‌ای اجتماعی دانست که دارای ظرفیتی جنسیتی است. زبان جنسیت زده یا زبان جنسیتی نوعی الگوی رفتاری در زبان و سبک نوشتار است که بازتاب بسیاری از واقعیت‌های ذهنی هر یک از دو جنسیت زنانه یا مردانه است. بسیاری از نویسندگان فمینیست بر این باورند که زبان و نوشتار در گذر زمان به سمت ویژگی‌های مردانه سوگیری کرده (سویه‌ایی مردانه پیدا کرده) و فاقد انگاره‌های زنانه است. این دیدگاه که ناظر بر «نظریه سیطره» است (برکت، ۱۳۹۶: ۲۷)، زبان [کنونی] را در ژرف‌ساخت و روساخت، نمایش اقتدار مردانه می‌داند و بر این اساس زبان و نوشتار را پدیده‌ای تک‌صدایی و محصول تجربه‌ها و باورهای مردانه معرفی می‌کند. در این گفتمان جنسیتی زبان، صدای مردانه صدای غالب و حاکم بر زبان و نوشتار است. با این توصیف، ابداع الگویی زبانی که سلطه تک‌صدایی مردانه را بشکند - به‌ویژه از نظر نویسندگان فمینیست - امری ضروری می‌نماید. از اینرو ایده «نوشتار زنانه» - بعنوان کنش زبانی نظام‌مند -

اقدامی بود در جهت اثبات هویت زنانگی در نوشتار و واکنشی بود در برابر تک‌صدایی مردانه تا بدین ترتیب در سایه تهی‌کردن زبان و نوشتار از تجربه‌های مردانه، لحن و سبک زنانه‌ای در آن ایجاد کنند. از نظر فمینیست‌ها این مهم میسر نخواهد شد جز با برساختن زبان و نوشتاری که دربردارنده نشانه‌های زنانه است؛ نشانه‌هایی که هرکدام معرف کش آگاهانه در سطح زبانند تا بدین ترتیب آن هویت فراموش‌شده زنانه را در نوشتار بازآفرینی کنند. این مهم می‌تواند با کاربست «زبان و نوشتار زنانه» (ر.ک؛ طالبیان و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۹) میسر خواهد شد. "روبین لکاف" (جامعه‌شناس ۱۹۷۵) نخستین کسی است که مسئله زبان زنانه را مطرح می‌کند (همان: ۲۷) «سبک و نوشتار زنانه محصول زاویه دید و منظر خاص زنانه است و دربردارنده تجربیات و شیوه بیان زنان در درک و معنا دادن آنان به زندگی است» (نیکوبخت و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۲۵). بنا بر ادعای فمینیست‌ها این امر مستلزم تغییر نشانه‌های زبانی {از مردانه به زنانه} است. امروزه همه پژوهشگران حوزه فمینیست ادبی بر این باورند که زنان برای بیان خود و دنیای خود «رمان» را اختراع کردند (طالبیان و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۴). بافتار اجتماعی و فرهنگی مردسالار در دو جامعه فارسی و عربی و نگرش تبعیض‌آمیز جنسیتی در این دو جامعه باعث شد که در عصر حاضر، بسیاری از نویسندگان زن در ادبیات فارسی و عربی درصدد برآمدند تا در آثارشان از دید یک زن به زندگی بنگرند و این امر، موجب پیدایش نوعی زبان خاص زنانه در داستان‌های نویسندگان زن شد که با زبان مردان متفاوت است (باقری خلیلی و مقدسی، ۱۳۹۴: ۲۰). رمان‌های «پرنده من» «فریبا وفی» و «دختران ریاض» «رجاء عبدالله صانع» از جمله نوشتارهایی است که «صدای زنانه» به گفتمان غالب در فضای روایت داستانی هر یک تبدیل شده است و در این میان، هردو نویسنده تجربه همسانی را در انتقال صدای زنانه در فضای نوشتارشان دارند. از همین رو، پژوهش حاضر سعی دارد تا با تکیه بر این مهم، سبک و نوشتار زنانه را در دو رمان برگزیده فارسی («پرنده من» فریبا وفی) و عربی («دختران ریاض» رجاء عبدالله صانع) تبیین نماید. مبنای روش‌شناختی مقاله، تحلیل کمی - کیفی خواهد بود. بدین ترتیب که بعد از استحصال و ترسیم جامعه آماری از فراوانی نشانه‌های زنانه، به تحلیل دلالت‌های برخاسته از بسامد بالای نشانه‌های زنانه در قیاس با تقلیل و فروکاست نشانه‌های مردانه در دو رمان خواهد پرداخت. در نهایت، فرآیند «تهی‌شده‌گی صدای مردانه» را از رهگذر برجستگی صدای زنانه در دو رمان بررسی‌شده و درپی پاسخ‌گویی به سوالات زیر خواهد بود:

تجربه دو نویسنده را در راستای زنانه نویسی بررسییده و در پی پاسخگویی به سوالات زیر باشد:

۱. مهم‌ترین و بارزترین نشانه‌های زنانگی در رمان‌های «پرنده من» و «دختران ریاض» کدام‌ها هستند؟
۲. تجربه دو نویسنده (فریبا وفی و رجاء عبدالله صانع) در کاربست تجربه‌های زنانه در داستان‌هایشان چگونه است؟

۱.۱ پیشینه پژوهش

در بحث پیشینه پژوهش، بدون شک نوشته‌ای که الگوی جنسیتی نوشتار را بر پایه الگوی دوگانه زنانه و مردانه و با تقابل صدای مردانه و صدای زنانه بررسییده و تهی شدن یکی از دو امر متقابل را به واسطه کاربست پرسامد نشانه‌های طرف مقابل در رمان بکاود، به انجام نرسیده است.

البته شایان ذکر است که در ارتباط با زنانه نویسی و مهم‌ترین ویژگی‌های آن پژوهش‌هایی به نگارش درآمده که از آن جمله می‌توان به نمونه‌های زیر اشاره کرد:

- در مقاله نیکوبخت و همکاران (۱۳۹۱) با عنوان «تکوین سبک زنانه در آثار زویا پیرزاد: تحلیلی بر پایه سبک‌شناسی فمینیستی»، نویسندگان فرآیند شکل‌گیری سبک زنانه را در سطوح مختلف (واژگان، جملات و سطح گفتمان) مجموعه داستان‌های پیرزاد بررسییده‌اند. بدین منظور، داستانهای «مثل همه عصرها»، «طعم گس خرمالو»، «یک روز مانده به عید» و... انتخاب شده‌اند.
- در مقاله طالبیان و همکاران (۱۳۹۶) با عنوان «بررسی زبان نوشتاری زنان بر اساس نظریه گفتمان جنسیتی»، تقابل شیوه نوشتاری زنان و مردان بررسی شده است. نتیجه حاصل بدست آمده گویای آنست که نویسنده زن نیز بمانند جنس مخالف می‌تواند با تکیه بر توانمندی نوشتاری‌اش و با بکارگیری الگوهای خاص نوشتاری، نوشتاری زنانه بیافریند که بیانگر جنسیت وی باشد.
- در مقاله باقری خلیلی و زهرا مقدسی (۱۳۹۴) با عنوان «بررسی تأثیر جنسیت بر زبان پاره‌ای از نویسندگان زن و مرد معاصر ایران»، تأثیر جنسیت در چهار رمان از

نویسندگان زن و مرد دهه شصت مورد بررسی قرار گرفته و در نهایت نتایج حکایت از آن دارد که میزان تقید و التزام نویسندگان زن به هنجارهای زبانی بیش‌تر از مردان است.

- در مقاله علی اکبر احمدی چناری و همکاران (۱۳۹۶) با عنوان «اللغة و الجنس فی القصص القصيرة للفضيلة الفاروق و زویا پیرزاد علی ضوء آراء روبن لاکوف»، دو داستان کوتاه «لحظة لإختلاس الحب» نویسنده الجزائری و «سه‌کتاب» نویسنده ایرانی از منظر نظریه زبان‌شناسی اجتماعی روبن لاکوف بررسی شده است. براساس نتایج بدست آمده، هر دو نویسنده در بیان روایی خود از مولفه‌های گفتمان جنسیتی زنانه در لایه‌های مختلف واژگانی و نحوی بهره برده‌اند.

- در پژوهشی از سیمون دوبوار (۱۹۴۹) با عنوان «جنس دوّم»، نویسنده بر آن است که زنان نباید صرفاً فرمان‌بردار باشند؛ بلکه باید به خودآگاهی برسند و برای نیازهایشان اهمیت و ارزش قائل باشند. تم اصلی کتاب مذکور بر پایه این گزاره اساسی شکل گرفته که «زن‌ها، زن زاده نمی‌شوند، به‌صورت زن در می‌آیند».

۲. مبانی نظری پژوهش

بیش از پرداختن به الگوی جنسیتی نوشتار، لازم می‌دانیم تا به تبیین مفهوم «جنسیت» پرداخته سپس بازتاب آن را در متن و نوشتار بررسی‌شده و در نهایت نمود آن را در متون ادبی برگزیده تحلیل نماییم. «جنسیت، مجموعه‌ای از صفات و رفتارهاست که به زن یا مرد نسبت داده می‌شود و ساخته و پرداخته جامعه است» (آبوت، ۱۳۸۷: ۳۱۵). اما این‌که آیا می‌توان نوشتار و زبان را قابل تفکیک جنسیتی دانست؟ و به‌عبارت دیگر، آیا نوشتار و زبان نیز همچون بسیاری از مسایل، دارای مؤلفه‌های جنسیتی هستند؟ در پاسخ به این سوال با دو دیدگاه کلی روبرو هستیم. دیدگاه اول که ناظر بر نظریه خنثی شده‌گی زبان بوده و زبان را فارغ از هرگونه متغیر جنسیتی بررسی می‌کند. نظریه پردازان این حوزه بر این باورند که زبان، ماهیتی ذهنی [انتزاعی] دارد و فراتر از بحث جنسیتی است (نیکوبخت و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۲۵). این عده با استناد به دیدگاه فردینان دوسوسور مبنی بر اینکه زبان در فراسوی آگاهی فردی و بدون قصد و نیت شکل می‌گیرد، ادعای جنسیت زده‌گی زبان را ادعایی

باطل می‌دانند (همان، ۱۲۵). دیدگاه دوم که شالوده نظری مقاله حاضر به‌شمار می‌رود، زبان را صرفاً بازتابی از جنسیت می‌داند و میان رفتار زبانی زنان و مردان تفاوت‌هایی قائل می‌شوند (باقری خلیلی و مقدسی، ۱۳۹۴: ۱۷). این تفکیک در زبان را «زبان جنسیتی» می‌نامند (قاسم‌زاده و علی‌اکبری، ۱۳۹۵: ۱۸۸). «زبان جنسیتی» گونه زبانی خاصی است که ویژه یکی از دو جنس است. در این مفهوم، جنسیت زبانی معادل گونه جنسیتی زبان در جامعه است (عبدالکریمی، ۱۳۹۲: ۵۹). نگاهی به پژوهش‌های حوزه زبان‌شناسی ادعای زبان و نوشتار جنسیتی را اثبات می‌کند. یکی از شاخه‌های زبان‌شناسی که به مقوله جنسیت در زبان پرداخته، زبان‌شناسی اجتماعی است. زبان‌شناسی اجتماعی، نقش عوامل اجتماعی و غیرزبانی را در ساخت و کاربرد زبان بررسی می‌کند. از دیدگاه زبان‌شناسی اجتماعی عوامل متعددی در ایجاد تفاوت‌های زبانی تأثیرگذار هستند. عواملی همچون منطقه جغرافیایی، طبقه اجتماعی، قومیت، سن، سبک، تحصیلات، مذهب، شغل و... یکی از مولفه‌های مؤثر در تفاوت‌های زبانی عامل جنسیت می‌باشد (باقری خلیلی و مقدسی، ۱۳۹۵: ۲۲). این گفته بدان معناست که زبان در بافت کلی خود، دارای ظرفیت جنسیتی است که در نهایت باعث شده است تا متناسب با سوگیری آن (زبان)، به سمت هر یک از جنسیت‌های دوگانه، وام‌دار نگاه زنانه یا مردانه باشد.

۳. الگوی دوگانه زنانگی و مردانگی در نوشتار: صدای زنانه و صدای مردانه

باورپذیری به اصل جنسیت زده‌گی زبان و نوشتار همواره ما را بسوی الگوی دوگانه‌ای از زبان و سبک نوشتاری زنانه و مردانه رهنمون می‌سازد. فارغ از این که آیا این دوگانه‌گی زبانی و نوشتاری محصول دوگانه‌گی زیستی (فیزیولوژیکی) است و یا اینکه دوگانه‌گی‌های اجتماعی و فرهنگی در این میان تأثیرگذارند؟، آنچه مهم و اساسی است، توجه به این نکته است که این الگوهای دوگانه نوشتاری (زبانی) حاصل تجارب متفاوت هریک از زنان و مردان می‌باشد. در واقع می‌توان گفت که این تجربه‌های ذهنی و عینی - متفاوت زنان و مردان است که در قالب الگوی زبانی دوگانه زنانه - مردانه نمود می‌یابد. شایان ذکر است که چنین الگوی دوگانه‌ای هم در روساخت زبان و هم در ژرف‌ساخت آن قابل تفکیک و مرزبندی است. دامنه این دوگانه‌گی‌ها تا آنجاست که حتی می‌توان از مقوله «گفتمان جنسیتی زنانه/ مردانه» برای نشان دادن تمایز این الگوی دوگانه زبانی سخن گفت

(ر.ک؛ برکت، ۱۳۹۶: ۲۵). آنچه که در این الگوی دوگانه تأمل برانگیز است، توزیع نابرابر امکانات زبانی در میان زنان و مردان است که به‌موجب آن، بیشترین سهم تولیدات زبانی را به مردان اختصاص داده و در نهایت، الگویی مردانه در زبان و نوشتار خلق کرده است. به‌طوری که به‌موجب آن، زبان و نوشتار در گذر زمان سویه‌ای مردانه پیدا کرده و فاقدانگاره‌های زنانه است. این، مسأله‌ای است که بسیاری از زبان‌شناسان و حتی پژوهش‌گران حوزه فمینیسم بر آن صحه می‌نهند. "دیل اسپیندر" (Dale Spender) یکی از زبان‌شناسانی است که به این مقوله پرداخته است. وی در کتاب «زبان مردساخته» می‌کوشد تا نشان دهد چگونه مردان در گفت و گو با زنان به شیوه‌های متفاوت بدنال سیطره‌اند و همواره می‌کوشند با تکیه بر اقتدار مفروض خود آرایشان را موجّه جلوه دهند (ر.ک؛ اسپیندر، ۱۹۸۰: ۱۴۰-۱۴۱). در سویی دیگر، این جنبش فمینیستی است که در برابر چنین الگوی جنسیتی زبان موضع‌گیری کرده است. بطور کلی، همه فمینیست‌ها بر این اصل متفق‌القولند که جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند، مردسالار است؛ زیرا تاکنون مردان همواره به سبب حمایت از نقش‌های سنتی خویش در عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مسلط بوده‌اند (تایسن، ۱۳۸۷: ۱۵۱). از دید فمینیست‌ها، ادبیات [نوشتار] و زبان نیز مانند دیگر نهادهای اجتماعی، ماهیتی مردسالار دارد و به‌دست مردان ایجاد شده است و بالطبع دارای قواعد و ساختاری مردانه است (قاسم‌زاده و علی‌اکبری، ۱۳۹۵: ۱۸۷). در این میان تحقیقاتی که از سوی فمینیست‌هایی مثل دبورا کامرون (Debra Cameron) صورت گرفته، نشان می‌دهد که این پژوهشگران زبان مردان را اصل و معیار (هنجار) دانسته و زبان زنان را انحراف از این زبان معیار (هنجارگریزی) دانسته‌اند (میلز، ۱۹۹۵: ۴۶). شاید بتوان از این منظر زبان و نوشتار را پدیده‌ای تک‌بعدی و تک‌بافتی (تک‌صدایی) و محصول تجربه‌ها و باورهای مردانه دانست. امری که باعث شده است تا صدای مردانه صدای غالب و حاکم بر زبان و نوشتار باشد. با این توصیفات، ابداع سبک و نوشتاری که این الگوی دوگانه زبانی را به تعادل و توازن رسانده و یا دست‌کم سلطه تک‌صدایی مردانه را بشکند - به‌ویژه از نظر نویسندگان فمینیست - امری ضروری می‌نماید. در این میان، میل به بازآفرینی نوشتاری زنانه برای اثبات هویت زنانگی ابزاری بود که نویسندگان فمینیست بدان تمسک جستند. ایده «نوشتار زنانه» که توسط "هلن سیکسوس" (Helen Cixous) در کتاب «خنده مدوسا» مطرح شد، نوعی کنش زبانی نظام‌مندی بود برای اثبات هویت زنانگی در نوشتار. این زنانگی نوشتار، تلاشی است از سر

به ستوه آمدن در مواجهه با نوعی رفتار از زبان موسوم به «زبان مذکر» (ر.ک؛ برکت، ۱۳۹۶: ۲۹-۳۱). این رفتار زبانی را می‌توان به‌نوعی واکنشی در برابر سلطه مردان و حرکتی در جهت تشخیص بخشیدن به «صدای زنانه» در متن تفسیر کرد. «زنانه‌نویسی یعنی جنسیتی کردن ادبیات بر اساس تجربه و نگاه زنانه» (فتوحی، ۱۳۹۱: ۲۴۳). این سبک زبانی و نوشتاری مصرانه می‌خواهد شکل، صدا و محتوایی زنانه و متفاوت با صدای مردان بیافریند (همان، ۲۴۳). در همین راستا هلن سیکوس معتقد است که «زبان زنانه صرفاً با ابراز تجربه‌هایی می‌تواند خلق شود که در زبان مردانه نفی و انکار شده است» (نیکوبخت و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۲۴) (فیاض و رهبری، ۱۳۸۵: ۳۸) (باقری خلیلی و مقدسی، ۱۳۹۴: ۲۱). از این عبارت هلن سیکوس می‌توان چنین برداشت کرد که برای برجسته کردن زنانگی در زبان و نوشتار، باید آن (زبان) را از تجربه‌های مردانه تهی کرد و این مهم میسر نخواهد شد جز با برساختن زبان و نوشتاری که در بردارنده نشانه‌های زنانه است؛ نشانه‌هایی که معرف کنش آگاهانه در زبانند تا بدین ترتیب آن هویت فراموش شده زنانه را در نوشتار بازآفرینی کنند.

۴. الگوی نشانه‌شناختی زبان {زنانه}

از نظرگاه دانش نشانه‌شناسی، زبان نوعی نظام نمادین بازنمایانگر است که در آن، یک دال معین به یک مدلول معین ارجاع می‌دهد (برکت، ۱۳۹۶: ۲۹). موضوع اصلی نظام نشانه‌شناختی زبان در چنین رویکردی، بررسی روابط دوسویه و {مستقیم} میان دو جزء اصلی نشانه یعنی دال و مدلول است (ر.ک؛ گرجامی، ۱۳۹۵: ۱۶۵). این گفته بدان معناست که کاربست هر نشانه {زبانی}، مدلول و مفهوم مشخصی را به‌دنبال دارد؛ به‌طوری که با واکاوی هر یک از نشانه‌های حاضر در متن، می‌توان به بسیاری از واقعیت‌های پنهان آن {متن} رهنمون شد. بر این اساس، سبک و زبان زنانه را می‌توان نظامی از رمزگان‌ها و نمادهایی دانست که به بازنمایی هویت زنانگی در ساخت‌های زبانی می‌پردازد و با تحلیل آن‌ها، می‌توان برجستگی نگارش زنانه و تمایز آن با نگارش مردانه را در نوشتار تبیین نمود. به‌عبارت دیگر، می‌توان فرآیند تحلیل و دریافت مفهوم زنانگی {در نوشتار} را به مثابه کنش‌های نشانه‌شناختی دانست که از رهگذر تجربه‌های زنانه به‌دست می‌آید.

۵. نشانه‌های زنانه

پیش‌تر نیز گفته شد که برساختن زبان و نوشتاری زنانه میسر نیست جز با برجسته ساختن نشانه‌های زنانه در آن. منظور از نشانه‌های زنانه، هر چیزی است که دلالت‌های زنانگی را در فضای کلی نوشتار و گفتمان برخاسته از آن به مخاطب انتقال دهد و در نهایت، ایماژهایی زنانه را برای وی تداعی کند. نشانه‌های یادشده به عبارتی، اقلام واژگانی حاضر در منظومه فکری و عاطفی زنان هستند که بطور کلی به اسامی، صفات، رنگ‌واژه‌ها، قیدها، واژه‌های متعلق به زندگی خصوصی زنان و واژه‌هایی که عواطف و احساسات زنانه را بیان می‌کنند، اشاره دارد (ن.ک؛ سراج، ۱۳۹۴: ۵۶). در جستار حاضر این نشانه‌ها [ی زنانه] در قالب شش الگوی: اسامی خاص زنانه - ابزارهای خاص زنانه - فضاهای خاص زنانه - تجربه‌ها و مهارت‌های خاص زنانه - رنگ‌واژه‌های خاص زنانه و صفت‌های خاص زنانه مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۱.۵ اسامی خاص زنانه

در ابتدایی‌ترین تعاریف نحوی، اسم خاص (عَلَم) زنانه هر آن چیزی است که بر جنسیت مونث و نرینه دلالت داشته باشد (شرتونی، ۱۳۷۹: ۱۰۳). شاید بتوان گفت برجسته‌ترین و عینی‌ترین وجه نشان‌دار زبان و نوشتار (لحن) زنانه که برای تعیین هویت زنانه و تمییز مرزهای جنسیتی آن محسوب می‌شود، اسامی خاص زنانه است که ظرفیت زنانگی متن را به‌طور قابل توجهی بالا برده و هرگونه خوانش مبتنی بر [تک] صدایی مردانه از نوشتار را منتفی می‌کند. البته میزان کارکرد آن در جوامع مختلف و بسته به متغیرهای فرهنگی متفاوت است. ولی در هر حال، اسامی خاص زنانه را می‌توان جامع‌ترین نشانه زنانه‌ای دانست که مدلول زنانگی را در سطح زبان و نوشتار انتقال می‌دهد.

۲.۵ ابزارهای خاص زنانه

هر کدام از ابزارها و وسایل، بسته به کارکرد و نوع کاربرستان می‌توانند مدلول‌های مختلفی را به‌دنبال داشته باشند. در این راستا گفته می‌شود که رابطه مستقیمی میان اشیائی که نام‌گذاری می‌شوند و چیزهایی که این اشیاء بر آن دلالت می‌کنند، وجود دارد (ر.ک؛ چندلر،

۱۳۸۷: ۹۷-۹۳). بر این اساس، از ابزارهای خاص زنانه، آن‌دسته از ابزارها و وسیله‌هایی هستند که زنان با توجه به موقعیت زیستی و فرهنگی و اجتماعی خود بیش‌تر از مردان از آنها استفاده می‌کنند. از این‌رو می‌توان کارکرد غالب این اشیا و لوازم را در انتقال فضای زنانه در متن به‌شمار آورد. با توجه به کاربردهای مختلف این ابزارها، می‌توان آن‌ها را در گروه‌های متعددی همچون اشیاء و لوازم آشپزخانه، لوازم آرایشی، جواهرآلات و... تقسیم‌بندی کرد. البته شایان ذکر است که قید زنانگی در این ابزارها، امکان کاربست - ولو اندک - از سوی مردان را منتفی نمی‌سازد.

۳.۵ فضاهای خاص زنانه

تأثیر محیط بیرونی بر فضای فکری و احساسی نوشتار، یکی از عوامل مؤثر بر شکل‌گیری سبک هر نوشتاری است. در این راستا گفته می‌شود که فضا و مکان جنسیتی، برساخته‌ای اجتماعی است که با فعالیت‌های نمادین دوگانه زن و مرد و پیام‌های جنسیتی برخاسته از آن پیوند خورده است. در پرتو چنین دیدگاهی، فضای جنسیتی در پیوند با دوگانه متقابل زنانگی و مردانگی و تفکیک کارکردی عرصه هر یک، به‌مثابه نظامی نشانه‌شناختی و برساخته‌ای گفتمانی در تثبیت و بازتولید ساختارهای جنسیتی از اهمیت بسیار بالا برخوردار است (ر.ک؛ بهرامی برومند و اسفندیاری، ۱۳۹۷: ۹۶). بر این اساس، می‌توان گفت که تجربه زیسته‌ای که زنان به‌طور روزمره در فضاهای جنسیت‌زده‌ای از خانه هم‌چون آشپزخانه دارند، موجب انتقال و تثبیت مدلول زنانگی به آن‌ها شده است. در زبان و نوشتار زنانه نیز محیط و فضای زنانه یکی از مؤلفه‌های تعیین‌کننده بُعد جنسیتی آن به‌شمار می‌رود. چنین فضاهایی بسترهای مناسبی برای بازتاب تجربه‌های زنانه هستند.

۴.۵ تجربه‌ها و مهارت‌های خاص زنانه

زنان با توجه به تفاوت‌های فیزیولوژیکی، زیست‌محیطی و فرهنگی و اجتماعی که دارند، در انجام برخی تجربه‌ها و مهارت‌ها حضور بیشتری نسبت به مردان دارند. در همین راستا گفته می‌شود که فعالیت‌هایی چون: خیاطی، بافندگی، آشپزی و آرایشگری (مدرّسی، ۱۳۶۸: ۱۶۰-۱۶۱) با توجه به تجربه بیشتر زنان در آنها زنانه‌ند (شناسه زنانه دارد) و به‌کارگیری آن‌ها در متن به‌نوعی تأثیر جنسیت در زبان و نوشتار را نشان می‌دهد (روحانی و ملک،

(۱۱:۱۳۹۲) (رضوانیان و ملک، ۱۳۹۲: ۴۹). در کنار این فعالیت‌های اجتماعیِ اغلب زنانه، برخی، بازنمایی تجربه‌هایی [فیزیولوژیکی] مانند زایمان یا تجاوز را که مفهوم [مطلق] زن‌بودن را منعکس کرده و به‌نوعی در زبان و نوشتار مردانه نادیده گرفته می‌شوند، را نیز به تجربه‌ها و مهارت‌های خاص زنانه افزوده‌اند (ن.ک؛ گرین و لیبهان، ۱۳۸۳: ۳۸۳). البته شایان‌ذکر است که در برخی از این فعالیت‌های یادشده همچون: خیاطی و آرایشگری و حتی آشپزی، مردان نیز حضور چشمگیری دارند؛ ولی با توجه به بسامد بالای جمعیت زنان و البته تجربه بیشتر آنها در این فعالیت‌ها، مَهر جنسیتی به این گونه تجربه‌ها و مهارت‌ها زده شده است. ولی به‌طور کلی منظور از تجربه‌ها و مهارت‌های خاص زنانه، مجموعه‌ای از کنش‌های رفتاری و کرداری است که فاعلیت و عاملیتِ اغلب زنانه دارد.

۵.۵ رنگ‌واژه‌های زنانه

رابین لیکاف (Robin Lakoff) در سال ۱۹۷۳ در مقاله‌ای با عنوان «زبان و جایگاه زنان» برای تمایز زبان زنانه با زبان مردانه ویژگی‌هایی را برشمرده؛ وی یکی از این ویژگی‌ها را استفاده زیاد از رنگ‌واژگان و توصیفات زنگین بیان کرده است (قاسم‌زاده و علی‌اکبری، ۱۳۹۵: ۱۸۸). این دیدگاه، ناظر بر اصلی زبان‌شناختی است؛ چرا که زبان‌شناسان معتقدند زنان دقیق‌تر از مردان رنگ‌ها را تشخیص می‌دهند (غلامی و بخشی‌زاده، ۱۳۹۲: ۲۴۰) (برهومه، ۲۰۰۲). در این میان، رنگ‌واژه‌هایی مانند قرمز، عنابی، پیازی، صورتی، بژ، بلوطی، ارغوانی و لاجوردی از رنگ‌واژه‌های خاص زنانه به‌شمار می‌رود (بارانی و همکاران، ۱۳۹۵: ۳). بنابراین بر اساس آنچه که گفته شد، می‌توان کاربست رنگ‌واژه‌ها [ی خاص] را یکی دیگر از نشانه‌های زنانگی زبان و نوشتار دانست.

۶.۵ صفت‌های خاص زنانه

یکی از مهم‌ترین کارکردهای نحوی (دستوری) صفت، توضیح (تبیین و تفسیر) موقعیت موصوف است (شرتونی، ۱۴۲۳: ۳۲۵). با این توصیف می‌توان به نقش صفت‌های [خاص] زنانه در نمود زنانگی نوشتار پی برد. بسیاری از نویسندگان و پژوهشگران حوزه فمینیست با تأکید بر این مهم، به تمایز نوع صفات به کار رفته از سوی دختران (زنان) و پسران (مردان) پرداخته‌اند (محمودی بختیاری و دهقانی، ۱۳۹۲: ۵۴۴). بطور کلی، صفت‌های [خاص] زنانه

را می‌توان مجموعه‌ای از صفتهای نحوی (دستوری) هستند که شناسه جنسیتی داشته و به‌منظور بازنمایی هویت (خصوصیات) زنانه در زبان بکار گرفته می‌شوند. این صفات به دو صورت بکار می‌روند: ۱- در حالت اول، صفت ماهیتی صرفاً زنانه دارد و با توجه به چنین ظرفیتی [هیچ] ضرورتی برای ذکر موصوف (تعیین جنسیت موصوف) ندارد. بنابراین موصوف در این‌گونه صفات بطور ضمنی در بافت درونی [خود] صفت نهفته است. مانند: کُلفت، مطلقه، باکره، فاحشه، شوهردار و... ۲- در حالت دوم، صفت با وجود داشتن ماهیت دوگانه زنانه - مردانه، اغلب کارکردی زنانه دارد. از این‌رو برای پرهیز از هرگونه ابهام در تعیین بُعد جنسیتی آن، همواره به همراه موصوف بکار می‌رود. مانند: زن باحجاب، دختر ترشیده

۶. بررسی نشانه‌های زنانه در داستان «پرنده من»

رمان «پرنده من» نخستین رمان فریبا وفی است که در سال ۱۳۸۱ منتشر شد (دستغیب، ۱۳۸۶: ۲۴) و بدلیل استقبال گسترده خوانندگان به چاپ بیست‌وهشتم رسیده است. داستان، روایت‌گر بُرش‌های مختلفی از زندگی زن میانسالی است خانه‌دار و از طبقه متوسط جامعه که اغلب در قالب واگویه‌های زنانه، روایت داستانی را پیش می‌برد. داستان از زاویه دید و نگاه زن قهرمان داستان که بی‌نام و نشان است، روایت می‌شود. از این‌رو بیانگر تجربه‌های زنانگی زنی است که در کنار دغدغه‌های روزمره خود با چالش‌های متعددی روبروست. یکی از چالش‌های عمده قهرمان داستان به نحوه رابطه وی با همسرش (امید) و تنش‌های این رابطه کاملاً سرد و بی‌روح برمی‌گردد که در نهایت فضای کلی داستان را تحت‌الشعاع قرار داده و شخصیت راوی داستان را با تناقض‌ها و دوگانگی‌هایی روبرو ساخته؛ دوگانگی‌هایی که تا پایان داستان ادامه داشته و القاگر نوعی بی‌هویتی برای اوست. رمان در لایه‌های مختلف خود دارای لحن (سبک) و زبان زنانه است. استفاده از راوی زن (منِ راوی اول شخص مفرد) که قهرمان داستان به‌شمار رفته و اغلب کنش‌های داستانی را پیش می‌برد، در کنار توصیف موقعیت زن و زنانگی، داستان را در زمره آثار و نوشتارهای زنانه قرار داده است. به‌رغم مؤلفه‌های مختلف فمینیستی داستان، نویسنده با آن‌الگوی زنانه‌نویسی کنش‌گر در نزد بسیاری از فمینیست‌های رادیکالی همچون ژولیا کریستوا، ریمون دوبوار، هلن سیکسوس و... فاصله دارد. ترسیم شخصیت زن منفعل که در برابر

مهم‌ترین دغدغه خود یعنی پُر کردن آن شکاف و خلأ عاطفی در زندگی زناشویی هیچ‌اقدام قابل توجهی نشان نمی‌دهد و چه بسا که همین ختنی‌شده‌گی و ایستایی او باعث شده است که نام و هویت وی تا پایان داستان مجهول و ناشناخته باقی بماند، گویای این واقعیت است. البته ناگفته نماند که این مسأله به هیچ وجه با رویکرد کلی پژوهش حاضر که اثبات تهی‌شده‌گی صدای مردانه در قالب کاربست نشانه‌های زنانه در داستان مذکور است، تنافی ندارد. در ادامه به بررسی و تحلیل هریک از نشانه‌های زنانه در این رمان می‌پردازیم. چنین تحلیلی ناظر بر یک الگوی کمی - کیفی است که به‌موجب آن، ابتدا، بسامد نشانه‌های زنانه در رمان مذکور در قالب جدول فراوانی احصاء شده است. در گام بعدی و در رابطه‌ای متناظر، بسامد بالای نشانه‌های زنانه در مقابل معدود نشانه‌های مردانه مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است و در نهایت، فرآیند برجستگی صدای زنانه در برابر تهی‌شده‌گی صدای مردانه در رمان «پرنده من» تبیین شده است. شایان ذکر است که همین الگو در مورد نمونه عربی نیز انجام گرفته است.

۱.۶ اسامی خاص زنانه در رمان «پرنده من»

بدون شک برجسته‌ترین نشانه زنانه‌ای که در خوانش اولیه رمان توجه مخاطب را به خود جلب می‌کند، فراوانی بالای اسامی خاص زنانه در آن است که به حدود ۱۲۷ واژه می‌رسد و با توجه به لحن زنانه داستان، اقدامی هدفمند و دلالت‌مند به‌شمار می‌رود. از جمله اسامی خاص زنانه داستان می‌توان به شهلا، آیدا، شهرزاد، شادی، مهین، خدیجه، منیژه و... اشاره کرد. نکته قابل تأمل در این راستا اینکه این اسامی علی‌رغم بسامد بالا ولی از تنوع و گوناگونی چشمگیری برخوردار نیست و صرفاً تکرار چندباره برخی اسامی خاص زنانه، الگوی جنسیتی داستان را برجسته ساخته است. در مقابل، فراوانی اسامی خاص مردانه در رمان به حدود ۴۵ واژه می‌رسد که البته در این میان هم، نام "امیر" (همسر قهرمان داستان) - به عنوان یکی از شخصیت‌های اصلی داستان و عناصر تأثیرگذار در پیشبرد روایت داستانی - حجم قابل توجهی را به خود اختصاص داده است: امیر (۸-۹-۱۱-۱۳-۱۵-۱۶-۱۷-۱۸...). دیگر اسامی خاص مردانه رمان عبارتند از: شاهین (۱۲-۲۱-۲۴-۳۹...), آقاجان (۲۶-۲۷-۲۹-۳۰-۳۱-۳۲...), عمو قدیر (۳۴), جعفر (۳۸).

۲.۶ ابزارهای خاص زنانه در رمان «پرنده من»

به‌طور کلی نویسنده در ۱۶ مورد از ابزارهای خاص زنانه در داستان استفاده کرده که این میزان در مقایسه با دیگر نشانه‌های زنانگی رمان، آمار چشمگیری به‌شمار نمی‌رود. با این وجود، تنوع در بکارگیری ابزارهای مختلف زنانه، نمود متفاوتی از زنانگی را در این داستان به نمایش گذاشته است. ابزارهای خاص زنانه در داستان مذکور شامل گروه‌های مختلفی است: هم‌چون وسایل بازی دخترانه: عروسک و...، وسایل آرایش: ماتیک و...، وسایل خیاطی: الگوهای خیاطی، وسایل زینتی: طلا و جواهر و...، وسایل آشپزی: آبکش و...، وسایل عروس: جهیزیه و...، پوشاک زنانه: روسری و... می‌شود. این در حالی است که فضای روایتی رمان، تقریباً فاقد ابزارهای خاص مردانه است؛ امری که در نهایت، فرآیند تهی‌شدگی صدای مردانه را برجسته‌تر و مضاعف‌تر کرده است.

۳.۶ فضاهای خاص زنانه در رمان «پرنده من»

با خوانشی تحلیلی در فضای روایت داستانی این رمان می‌توان به این نتیجه رسید که کلیدواژه «آشپزخانه» تنها فضای خاص زنانه داستان است که با ۱۵ بار تکرار، القاگر زنانگی در نوشتار یادشده می‌باشد. نکته قابل تأمل در این میان اینکه نویسنده (وفی) در بیان فضای خاص زنانه به‌عنوان یکی از نشانه‌های زنانگی، صرفاً به کاربست پربسامد «آشپزخانه» به‌عنوان تنها فضای زنانه داستان اکتفا کرده است که البته انتخاب چنین فضای زنانه‌ای از سوی نویسنده با توجه به الگوی شخصیتی قهرمان زن داستان و کنش‌های پیش‌روی وی چندان دور از انتظار نیست. این، حقیقتی است که حتی به صراحت از زبان قهرمان داستان نیز بیان می‌شود: «از پشت پنجره کنار می‌روم. کجا بروم، کجا بروم؟ جا برای سرگردانی هم نیست. اگر پشت پنجره نباشی، فقط دو جا برای رفتن داری؛ هال و آشپزخانه...» (وفی، ۱۳۹۶: ۵۸). در سویی دیگر، به‌جز چند نمونه فضای مردانه: بنگاه (۱۴-...)، میدان تره‌بار (۱۰۳)، ساختمان نیمه‌کاره (۸) سایر فضاهای داستانی رمان، مکان‌هایی خنثی و فاقدشناسه جنسیتی هستند: اداره (۲۹)، پارکینک (۴۵)، بانک (۴۸)، پاساژ (۹۵)، خیابان (۸-۱۳۵...)، محله (۷).

۴.۶ تجربه‌ها و مهارت‌های خاص زنانه در رمان «پرنده من»

در کنار فراوانی اسامی خاص زنانه در رمان «پرنده من» می‌توان این تجربه‌ها و مهارت‌های خاص زنانه که با بسامد بالایی در داستان آمده، را بارزترین نشانه‌های زنانگی نوشتار حاضر برشمرد. نویسنده (وفی) در فضای کلی روایت در ۷۴ مورد به بازتاب تجربه‌ها و مهارت‌های زنانه پرداخته است که این موارد علاوه بر فراوانی قابل توجه، از تنوع چشم‌گیری نیز برخوردار می‌باشد که از جمله آن می‌توان به مواردی چون: بکارت، یائسگی، ماتیک زدن، بافتن جلیقه، سبزی پاک‌کردن، شیردادن بچه و... اشاره کرد. در سویی دیگر، صرفاً در ۱۰ مورد به تجربه‌ها و مهارت‌های مردانه اشاره شده است که از آن جمله می‌توان به مواردی چون: سبزی‌فروشی و میوه‌فروشی (۷)، وانتی هندوانه‌فروش (۵۶)، ریش‌زدن (۶۱)، قاضی (۱۳۲)، پستیچی (۷۱) و... اشاره کرد. مهارت نویسنده در کاربست این تجربه‌ها و تصویرسازی آنها در بخش‌هایی از داستان به حدی است که تقریباً هیچ فضایی برای حضور عامل مردانه در روایت باقی نمی‌گذارد و آن را به عنصری بیگانه در داستان تبدیل می‌کند. از آن جمله می‌توان به نمونه زیر اشاره کرد:

شوهردار هم که شدی تمام دنیا قبل از هر کاری یک عدد ساعت گنده به دیوار اتاق خواب آویزان می‌کنند و برای شنیدن اولین خبر لحظه شماری می‌کنند. بعد یکی آش آلو برای می‌پزد و یکی لواشک ترش برای می‌خورد. توی اتوبوس یکی بلند می‌شود و جایش را به تو می‌دهد و توی خیابان همه نگاهها ناخواسته روی شکمت پایین می‌آیند که حالا دیگر گرد و قلمبه شده و از قلمبگی‌اش پیداست که پسر است. بعد روزهایت به کنجکاوای در مورد این که سزارین بهتر است یا زایمان طبیعی، می‌گذرد و همه، تغییراتی در صورتت می‌بینند که تو بیشتر در درونت آنرا حس می‌کنی. برای بچه لباس تهیه می‌کنی و وقت‌های بیکاری سر اسم با شوهرت بحث می‌کنی. بعد هم یک روز درد می‌آید، مثل کسی که منتظرش بودی ولی آمدنش را از ته دل باور نمی‌کردی. ترس روی سرت آوار می‌شود. ترس از درد بیشتر تر. می‌روی بیمارستان و فردایش موجود ناآشنا و خیلی کوچکی که تو را یاد گنجشک خیسی می‌اندازد، به سینه‌ات می‌چسبانند و می‌خواهند که شیرش بدهی و از آن لحظه به بعد تو می‌شوی مادر (وفی، ۱۳۹۶: ۷۶-۷۵).

۵.۶ رنگ‌واژه‌های زنانه در رمان «پرنده من»

بطور کلی، بررسی رمان «پرنده من» نشان می‌دهد که مجموع رنگ‌واژه‌های بکار رفته در داستان به ۲۳ مورد می‌رسد که در این میان، رنگ‌واژه سرخ - با توجه به شناسه زنانه‌اش - بیش‌ترین سهم را دارد. این فراوانی با توجه به لحن (زبان) زنانه‌ای که در ساختار کلی داستان وجود دارد، آمار چشمگیری به‌شمار نمی‌رود. افزون بر این (کمیت نسبتاً پایین رنگ‌واژه‌ها)، رنگ‌واژه‌های موجود از تنوع چندان زیادی برخوردار نیستند. سرخ (قرمز)، سیاه، سفید، زرد، طلایی، لیمویی عمده‌ترین رنگ‌واژه‌های کاربردی در داستان هستند. در مجموع، می‌توان گفت که گسترده‌گی و گوناگونی رنگ‌واژه‌های زنانه «پرنده من» علی‌رغم اینکه به انتقال انگاره‌های زنانه در آن کمک کرده، ولی با توجه به ظرفیت بالای رمان در زنانه نویسی، حجم قابل توجهی به‌شمار نمی‌رود. البته همین فراوانی، در قیاس با نبود رنگ‌واژه‌های مردانه، نقطه عطف روایت داستانی در برجسته‌سازی صدای زنانه محسوب می‌شود. از دیگر رنگ‌واژه‌های بکار رفته در داستان که دارای مدلول مشترک و دوگانه (زنانه - مردانه) است، می‌توان به رنگ‌واژه‌هایی چون: آبی (۹۲)، سبز (۹۸)... اشاره کرد.

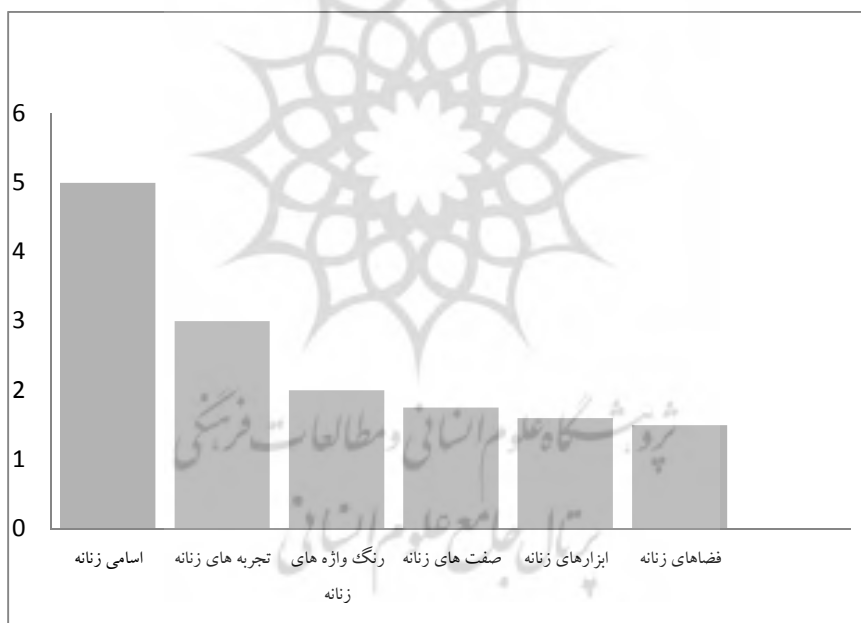
۶.۶ صفتهای خاص زنانه در رمان «پرنده من»

در این رمان نیز همچون نمونه قبلی با دو نوع صفت‌ها و ویژگی‌های [نحوی] زنانه روبه‌رو هستیم. مجموع صفت‌های زنانه داستان، در حدود ۱۸ مورد می‌باشد. نوع اول که دلالت مطلقاً زنانه دارند و با توجه به چنین شناسه‌ای، بدون ذکر موصوف آمده‌اند. این گروه که وجه غالب صفت‌های خاص زنانه در داستان هستند، شامل مواردی همچون: خاله‌بازی، هُوو، زَنک، عجوزه، کُلفتی، شوهردار و... می‌شود. گروه دوم هم شامل صفات و ویژگی‌هایی می‌شوند که با توجه به جنسیت هم‌نشیشان، دلالتی اغلب زنانه پیدا کرده‌اند. از جمله این صفات و ویژگی‌های خاص زنانه در رمان حاضر می‌توان به مواردی چون: زن خوشگل، زن موطلا، زن آرایش کرده، خوشگل خانوم و... اشاره کرد. در نقطه مقابل، بسامد صفت‌های مردانه رمان به ۱۴ مورد می‌رسد: (آقا)، طاس (۹)، نر (۱۲۲)، شوهر (۳۹)، پدر (۳۸)

جدول ۱. فراوانی نشانه‌های زنانگی در رمان «پرنده من»

ردیف	نوع نشانه زنانه	میزان فراوانی	نمونه موردی
۱	اسامی خاص زنانه	۱۲۴	شادی (۱۱-۱۲-۲۱-۲۳-۲۴-۴۳-۴۴-۴۵-۴۷-۴۸-۵۶-۵۸-۷۰-۷۳-۷۷-۷۸-۸۴-۸۵-۹۴-۹۶-۹۷-۹۹-۱۰۰-۱۰۱-۱۰۲-۱۰۸-۱۱۴-۱۱۵-۱۱۶-۱۱۷-۱۲۰-۱۳۴)، شهلا (۱۵-۲۶-۲۷-۲۹-۳۱-۳۳-۳۵-۳۷-۴۶-۴۹-۶۲-۶۳-۷۱-۷۲-۷۵-۷۷-۷۹-۸۱-۸۹-۹۰-۹۱-۹۹-۱۰۳-۱۰۴-۱۰۸-۱۱۱-۱۱۴-۱۱۶-۱۱۷-۱۱۹-۱۲۲-۱۲۴-۱۲۵-۱۲۶-۱۲۸-۱۳۴-۱۳۶-۱۳۷)، شهرزاد (۱۸)، آیدا (۱۸-۲۴-۴۵-۴۷-۵۷)، خاله محبوب (۲۶-۳۰-۳۳-۳۴-۳۸-۴۶-۵۱-۵۴-۵۵-۶۱-۶۲-۱۲۴-۱۲۵)، مهین (۲۶-۲۷-۳۱-۳۳-۳۷-۵۹-۶۳-۶۴-۷۰-۷۱-۷۴-۷۵-۷۷-۸۰-۸۴-۹۲-۹۹-۱۱۱-۱۱۲-۱۲۴-۱۳۲-۱۳۶-۱۳۷)، منیژه (۴۰-۴۱-۸۱-۸۲-۱۳۴-۱۳۵)، عمه اشرف (۸۵).
۲	ابزارهای خاص زنانه	۱۶	عروسک (۲۴)، ماتیک (۳۸)، آبکش (۵۶)، طلا (۵۸)، رنگ مو (۶۰)، روسری (۶۵)، جهیزیه (۷۵)، جواهر (۸۲)، عروسک (۸۵)، الگوهای خیاطی (۹۰)، شال (۹۵)، لوازم آرایش (۹۷)، آبکش (۱۰۵)، کرم و پودر آرایش (۱۳۷).
۳	فضاهای خاص زنانه	۱۵	آشپزخانه (۱۱-۱۲-۲۱-۲۵-۵۸-۶۳-۶۶-۸۲-۹۰-۱۰۰-۱۰۶-۱۱۴-۱۲۷-۱۴-۱۳۱).
۴	صفت‌های خاص زنانه	۱۷	خاله بازی (۱۵)، هوو (۱۶)، ناز کردن (۱۷)، لوس (۳۳)، خوشگل (۳۷)، زتک (۴۱)، عجوزه (۵۰)، زن موطلا (۵۳)، زن خوشگل (۶۱-۶۶)، شوهردار (۷۵)، خاله بازی (۸۱)، زن آرایش کرده (۹۵)، خوشگل خانوم (۱۱۷)، کلفتی (۱۲۳)، ملکه (۱۲۱)، افاده (۱۲۴).
۵	رنگ‌واژه‌های خاص زنانه	۲۴	قرمز (۴۹-۶۳-۹۶-۱۱۸)، سرخ (۵۵-۸۱-۸۲-۱۳۲)، سیاه (۶۱-۷۰-۸۲-۹۲-۹۸-۱۳۷)، زرد (۶۳-۷۵)، سفید (۵۱-۵۵-۶۰-۹۶-۹۸)، طلائی (۵۳)، لیمویی (۹۵).

<p>رقص (۳۹ - ۵۸)، جیغ زدن (۴۴ - ۶۵ - ۷۸ - ۱۳۲ - ۹۴)، طلاق گرفتن (۵۰)، رقصیدن (۱۱۱ - ۵۲)، چای ریختن (۵۴)، هفت قلم آرایش کردن (۵۸)، خانه تکانی (۶۲)، تمییز کردن خانه (۶۲)، آب‌کشی غذا (۶۲)، شیون کردن (۶۵)، پیچ کردن (۷۱)، یانسگی (۷۲)، لباس شستن (۷۳)، پختن آش آلو (۷۶)، سزارین (۷۶)، زایمان طبیعی (۷۶)، درد زایمان (۷۶)، شیردادن بچه (۷۶)، پیچ کردن (۷۶)، شستن شاش و گه (۷۶)، حامله شدن (۷۷)، آبغوره گرفتن [گریه کردن] (۷۸)، عدس پختن (۷۸)، آرایش کردن (۸۱)، چای و قهوه درست کردن (۸۲)، رقاصی (۸۴)، ابرو برداشتن (۸۹)، سوهان زدن به ناخن (۸۹)، آرایش کردن (۹۰)، آش پختن (۱۰۱)، پختن کنلت و ماکارونی (۱۰۱)، سبزی پاک کردن (۱۰۸ - ۱۰۹)، عوض کردن کهنه بچه (۱۱۴)، درست کردن غذا (۱۱۴)، چیدن سفره (۱۲۲)، دم کردن چای (۱۲۲)، اتو کردن (۱۲۸)، شستن ظرف‌ها (۱۳۱)، بافتن جلیقه (۱۳۵)، برنج دم کشیدن (۱۴۰).</p>	<p>۶۲</p>	<p>تجربه‌های خاص زنانه</p>	<p>۶</p>
--	-----------	----------------------------	----------



نمودار فراوانی نشانه‌های زنانگی در رمان پرنده من

۷. بررسی نشانه‌های زنانه در رمان «دختران ریاض»

بنات الریاض: دختران ریاض» یکی از مشهورترین داستان‌های عربی است که توسط "رجاء صانع" نویسنده جوان عربستانی نوشته شده است و بدلیل ماهیت آوانگاردی و تابوشکنانه خود با انتقادات زیادی از سوی بسیاری از منتقدان محافظه‌کار جامعه عربستان روبه‌رو بوده است. رمان، روایت‌گر چهار دختر جوان عربستانی به‌نام‌های قمره، میشل، سدیم و لمیس است که شخصیت‌های اصلی داستان را تشکیل می‌دهند و با کنش‌های سنت‌ستیزانه خود در مسیر روایت داستانی، بسیاری از قراردادهای عرفی جامعه محافظه‌کار، بسته و مردسالار عربستان را در مورد زنان عربستانی و تبعیض‌های جنسیتی تحمیل شده بر آنان را به چالش می‌کشند؛ از جمله اینکه با پوشیدن لباس مردانه خود را به شکل مردان درآورده و در مکان‌های مردانه همچون قهوه‌خانه‌ها حضور پیدا می‌کنند و دست به ماجراجویی‌های مختلفی می‌زنند. داستان «بنات الریاض: دختران ریاض» را می‌توان در ساختار کلی آن، نوشتاری زنانه بشمار آورد. وجود راوی و شخصیت‌های قهرمان زن به‌همراه انبوه نشانه‌های زنانه در سطح فرم داستان در کنار درون‌مایه فمینیستی که در صدد اثبات هویت (صدای) زنانه در سرتاسر فضای روایت است، لحن و زبان زنانه‌ای به داستان بخشیده است. در همین راستا، نشانه‌های زنانه حاضر در این رمان تحلیل می‌شود:

۱.۷ اسامی خاص زنانه در رمان «دختران ریاض»

در این رمان، فراوانی اسامی و اعلام خاص زنانه به ۳۲ بار می‌رسد. چنین آماری در داستانی که شخصیت‌های اصلی داستان در کنار شخصیت‌های فرعی اغلب زن بوده و دارای اسامی زنانه هستند، نکته قابل تأملی است و یکی از نشانه‌هایی است در جهت اثبات هویت زنانگی نوشتار. برخی از این اسامی خاص زنانه که در بخش‌های مختلف داستان و با بسامد بالایی حضور دارند، عبارتند از: بلقیس، مادام سوسن، قمره، حصّه، ام‌نور، نقله، ام‌کلثوم، خاله بدریه، منیره، هناء، فاطمه، علیشه، ملیکه، لیدا، احلام مستغانمی، سارا، غاده، سدومه، جمانه و... به این اسامی می‌توان نام نویسنده داستان (رجاء) و نیز راوی داستان (مواء) را به‌عنوان دیگر اسامی زنانه حاضر در متن اشاره کرد. نکته قابل ذکر اینکه بسامد بالای اسامی خاص زنانه وجود اسامی مردانه در داستان را متفی نمی‌سازد؛ بلکه تقابل اسامی خاص

زنانه با بسامد بالا در برابر اسامی خاص مردانه با بسامد پایین گواهی است بر برجستگی صدای زنانه و تهی شدن صدای مردانه در داستان مذکور. شایان ذکر است که اسامی مردانه رمان، در حدود ۲۸ مورد است که اغلب، مربوط به شخصیت‌های فرعی رمان می‌شود: راشد، ولید، فراس، طارق، فیصل... دیگر اسامی مردانه رمان هم مربوط به شخصیت‌های مشهور و برجسته جهان عرب هم‌چون: نزار قبّانی (۱۷)، یوسف سباعی (۱۰۵)، احسان عبدالقدّوس (۱۰۵)، عبدالله غذّامی (۲۹۴)... اختصاص دارد و این بدان معناست که نویسنده با وجود کاربست حلقه‌ای اسامی مردانه، صرفاً به بُعد فراجنسیتی آن‌ها توجه داشته است.

۲.۷ ابزارهای خاص زنانه در رمان «دختران ریاض»

ابزارهای خاص زنانه رمان با درصد بالایی و با فراوانی ۶۶ بار ذکر شده‌اند که چنین بسامدی به‌نوبه خود بستر مناسبی برای انتقال لحن زنانه در این نوشتار بشمار می‌رود. با نگاه جزئی و تفکیکی به ابزارهای زنانه بکار رفته در این رمان می‌توان آن‌ها را در چهار گروه اصلی: لوازم آرایشی و بهداشتی، اشیاء زینتی، پوشاک زنانه و لوازم آشپزخانه تقسیم کرد. در این میان، پوشاک زنانه‌ای چون: لباس عروس، شال، روسری، چادر، کفش زنانه، دامن، مانتو، حریر، نقاب، روپوش و... با بسامد ۳۰ باره بیشترین ابزارهای خاص زنانه در رمان بشمار می‌روند. بعد از آن، لوازم آرایشی و بهداشتی مانند: رژ، سرمه، کرم پودر، رژ گونه، ریمیل، برق لب، نوار بهداشتی، لاک و... بسامدی ۱۷ باره دارند. اشیاء زینتی زنانه‌ای مانند گوشواره، خلخال، تل مو و... ۱۱ مورد در متن داستان ذکر شده‌اند. لوازم آشپزخانه مثل سبزی خردکن، دیس غذا، دستور پخت با ۳ بار تکرار کم‌ترین فراوانی را در میان ابزارهای خاص زنانه رمان دارند. شایان ذکر است که در کنار این گروه ابزارهای خاص زنانه می‌توان به دیگر ابزارهای زنانه رمان مانند: مهریه، جهیزیه و... که داخل در هیچ‌یک از این گروه‌بندی‌ها نیست، اشاره کرد. با خوانشی تحلیلی از ابزارهای خاص زنانه در رمان «دختران ریاض» می‌توان به این نتیجه رسید که بسامد پایین وسایل آشپزخانه در میان دیگر ابزارهای خاص زنانه، گواهی است بر نگاه فمینیستی نویسنده به جایگاه اجتماعی زن که به‌موجب آن، زنانگی را نه در نگاه سنتی و مردسالار جامعه که بیش‌تر با ابزارهایی چون پخت‌وپز و شست‌وسو معرفی می‌کند؛ بلکه درصدد نشان دادن

هویت زنانگی با ابزارهایی غیر از ابزارهای آشپزخانه می‌باشد. در برابر بسامد بالای ابزارهای خاصّ زنانه رمان، نویسنده صرفاً به ۳ مورد ابزارهای مردانه: دشداشه (۳۱-۱۴۶)، کراوات (۱۵۹) اشاره کرده است که چنین کاربست نامتوازی در سطح ابزارهای (زنانه - مردانه)، یکی از موقعیت‌هایی است که به فرآیند تهی‌شده‌گی صدای مردانه در برابر برجستگی صدای زنانه در رمان انجامیده است.

۳.۷ فضاهای خاص زنانه در رمان «دختران ریاض»

شاید بتوان فضاهای خاص زنانه در رمان را کم‌کاربردترین نشانه‌های زنانگی در آن به‌شمار آورد. تعداد فضاهای زنانه رمان ۷ مورد است که عبارتند از: آشپزخانه (۳ بار)، انجمن مادران، آکادمی دخترانه، مطب متخصص زنان و زایمان و اتاق زایمان. این درحالی است که در کلّ فضای روایتی رمان، تنها در یک مورد: آژانس (۳۱) به فضای مردانه اشاره شده است. از دیگر فضاهای خنثی و فاقد شناسه جنسیتی رمان، می‌توان به: بیمارستان (۵۷)، کافی شاپ و رستوران (۳۴)، دانشگاه (۶۱۹، سینما (۸۱)، پارک (۱۰۳) ... اشاره کرد.

۴.۷ تجربه‌ها و مهارت‌های خاص زنانه در رمان «دختران ریاض»

یکی از نشانه‌هایی که بعد زنانگی داستان را برجسته کرده، به‌تصویر کشیدن تجربه‌ها و مهارت‌های زنانه مختلفی است که در بخش‌های مختلف رمان به چشم می‌خورد. در ۳۴ مورد به این تجربه‌ها و مهارت‌های زنانه اشاره شده است. از جمله آن می‌توان به آرایش‌کردن، بارداری، زایمان‌کردن، چادر سر کردن، لاک زدن، مصرف قرص‌های ضدبارداری، زنگ کردن مو و... اشاره کرد. این میزان، در قیاس با فراوانی پایین تجربه‌ها و مهارت‌های مردانه که تعدادشان به ۵ مورد {نگهبان (۳۳-۴۵-۲۰۱)، طاسی (۱۷۹)، خواستگاری (۴۰۴)} می‌رسد، شاهد دیگری است بر اثبات ادعای برجستگی صدای زنانه و تهی‌شده‌گی صدای مردانه در رمان. کاربست بالای تجربه‌ها و مهارت‌های خاص زنانه در داستان به‌گونه‌ای است که گاهی در بخش کوتاهی از داستان و روایت چندسطری آن، تصویر تماماً زنانه به خواننده ارائه می‌شود:

«پزشکان تشخیص دادند مادرم به سرطان دهانه رَحِم مبتلا شده. مامان پس از شیمی‌درمانی و عمل برداشتن رَحِم، دیگر نمی‌توانست بچه‌دار شود» (عبدالله الصانع، ۱۳۸۸: ۱۴۰).

۵.۷ رنگ‌واژه‌های زنانه در رمان «دختران ریاض»

کاربست رنگ‌واژه‌های زنانه در این رمان که با بسامد بالایی همراه بوده، در کنار دیگر نشانه‌های زنانه داستان ماهیت زنانگی نوشتار حاضر را برجسته ساخته است. این امر به‌حدی است که حتی در بخش‌های کوتاه و چندسطری از رمان شاهد تصاویر و ایماژهای رنگارنگی هستیم. از آن جمله می‌توان به نمونه‌های زیر اشاره کرد:

«... چشمانی آبی با موهای مشکی که کمی از گوش‌هایش را پوشانده بود. شلوار آبی سیر پوشیده بود با پیراهنی شرابی و کراواتی از همان رنگ...» (عبدالله الصانع، ۱۳۸۸: ۱۵۹).

«... سدیم دامن قهوه‌ای رنگی پوشیده بود که تا زانوهایش می‌رسید. بلوزش حریر بی‌آستین و رنگش صورتی کم‌رنگ بود به یکی از پاهایش خلخال‌های نقره‌ای بسته بود و کفش رویاز صورتی به پا کرده بود...» (عبدالله الصانع، ۱۳۸۸: ۴۲۵). این در حالی است که رمان، فاقد رنگ‌واژه‌هایی با شناسه مردانگی است.

۶.۷ صفت‌های خاص زنانه در رمان «دختران ریاض»

بررسی صفت‌های [نحوی] بکار رفته در بافت واژگانی رمان نشان می‌دهد که بسامد کاربرد صفت‌های خاص زنانه ۳۹ مورد بوده که این میزان فراوانی در قیاس با دیگر نشانه‌های زنانه حاضر در رمان کمیت بالایی محسوب نمی‌شود که در این میان، حدود ۳۳ مورد شامل صفاتی است که دلالت صرفاً زنانه دارد و با توجه به چنین شناسه‌ای بدون موصوف معین آمده‌اند. مانند: کُلفت، ضعیفه، حامله، مطلقه، بیوه و... ۶ مورد نیز شامل صفاتی است که با توجه به جنسیت موصوف‌های هم‌نشانشان، دلالت اغلب زنانه پیدا کرده‌اند. مانند: خانم خانه‌دار، بیوه‌زن، خواهر لوس و نُئر، چادر زنانه، تِل گلدان، دختر خوشگل و... در سویی دیگر، بسامد صفت‌های مردانه رمان به ۱۸ مورد می‌رسد که

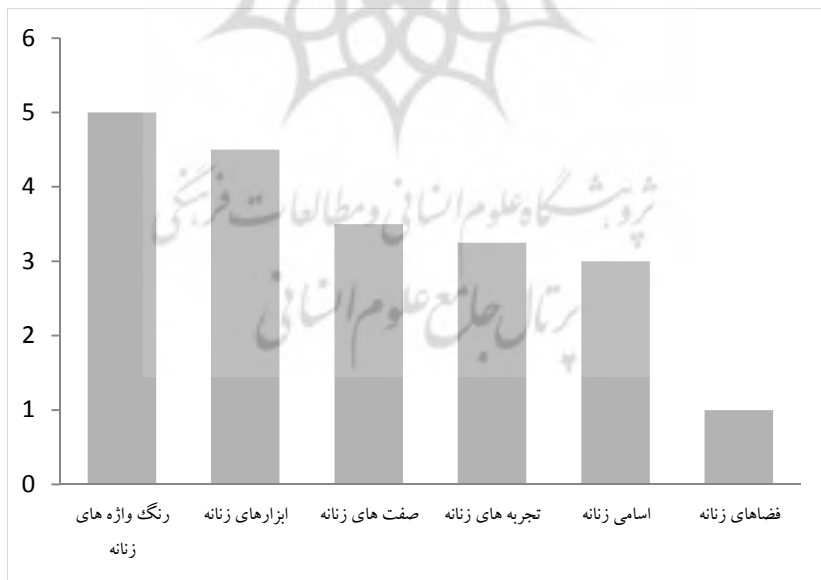
تهی شده گی صدای مردانه در ... (جواد گرجامی و علی عباسعلی زاده) ۲۵۳

از آن جمله می توان به: آقا(۱۳)، پدری(۲۰)، داماد(۲۴...)، سیبیلو(۱۷۱...)، مردک(۲۸۹)، برادرانه(۳۹۳)... اشاره کرد.

جدول ۲. فراوانی نشانه های زنانگی در رمان «دختران ریاض»

ردیف	نوع نشانه زنانه	میزان فراوانی	نمونه موردی
۱	اسامی خاص زنانه	۳۲	بلقیس (۱۷)، مادام سوسن (۱۸)، قمره (۱۸-۲۶-۳۷)، حصه (۱۸-۲۷-۲۷)، آم‌نویز (۲۱-۳۸-۵۷-۱۰۹-۲۵۴-۲۶۱)، نقله (۲۷)، بدریه (۲۸-۳۸-۲۹۵-۳۲۱)، آم‌کلثوم (۳۵-۸۴)، هناه (۶۴)، فاطمه (۷۱-۱۹۷)، علیشه (۷۵)، غاده (۸۰-۲۴۱)، ملیکه (۸۷)، لیدا (۹۳)، احلام مستغانمی (۱۰۴)، سارا (۲۰۱)، شهلا (۲۲۷)، سدومه (۲۷۱).
۲	ابزارهای خاص زنانه	۶۶	عروسک (۱۶-۹۲)، ژژ قرمز (۱۸-۲۹)، لباس عروس (۲۰-۱۲۷)، کرم پودر (۲۲)، شال (۲۵)، چادر مشکی (۲۵)، نقاب حریر (۲۵)، کرم نهنگ (۲۷)، سرمه (۱۸-۳۱)، چادر (۳۳)، روسری (۳۳-۸۲-۹۹-۱۷۹-۳۳۶)، سبزی خردکن (۳۶)، ژژ لب (۳۷-۸۰)، کفش زنانه (۳۸)، وسایل آرایش (۳۸)، گل برگ‌های گل سرخ (۵۵)، روپوش (۶۴)، دامن (۷۵)، مانتو (۸۱-۸۲)، جهیزیه (۸۲-۴۲۵)، قرص‌های ضدبارداری (۲۴-۸۳)، گل سرخ (۹۱-۹۲)، کیش سر (۹۵)، گوشواره (۹۵)، ژژ گونه (۹۹)، ریمیل (۹۹)، برق لب (۹۹)، مهریه (۱۰۲-۱۹۶)، لباس تور عروسی (۱۰۲)، رجم (۱۱۶)، جواهرات (۱۳۰).
۳	فضاهای خاص زنانه	۷	آشپزخانه (۵۰-۱۰۹-۴۲۷)، انجمن مادران (۶۶)، آکادمی دخترانه (۷۴)، مطب متخصص زنان و زایمان (۲۱۶)، اتاق زایمان (۲۲۶).
۴	صفت‌های خاص زنانه	۳۹	مادام (۱۸)، عروس (۲۰-۲۳-۲۷-۳۰-۳۶۲-۴۰۷)، خانوم (۲۰)، خاله (۳۸-۵۷)، کفش زنانه (۳۸)، عشوه (۵۱)، دخترعمه (۷۲)، خوشگل (۷۳)، کلفت (۱۲۲-۱۳۳)، ضعیفه (۱۳۲-۲۹۵-۲۸۹)، حامله (۱۳۳-۱۵۲)، مطلقه (۲۰۷-۲۷۴-۲۷۵-۳۳۶)، زنانه (۳۵۹)، خاله (۲۱)، ترشیده (۲۶۳).

<p>قرمز (۱۸) - ۲۹ - ۳۰ - ۳۷ - ۵۱ - ۵۴ - ۶۵ - ۸۰ - ۹۱ - ۹۲ - ۹۴ - ۹۵ - ۲۱۰ - ۱۳۴ - ۱۷۷ - ۱۷۹ - ۲۶۶ - ۳۷۸ - ۴۲۷، سرخ (۵۱) - ۹۱ - ۹۲، سبزه (۲۲) - ۲۱۰، نقره‌ای (۵۱) - ۴۲۵ - صدفی (۳۶۲)، عسلی (۳۷۲)، - صورتی (۴۲۵)، صورتی کم‌رنگ (۴۲۵)، سفید مهتابی (۲۰)، سفید مایل به سرخ (۵۱)، گندمگون (۵۱)، فسفری (۳۴۶)، آبی آسمانی (۲۵۸)، شیری (۳۷۲)، سرمه‌ای (۱۲۲)، قهوه‌ای (۳۶۱) - ۴۲۵، زرد (۲۶۶)، برنزه (۲۷۰)، شرابی (۱۵۹)، آبی (۶۰) - ۱۵۹، آبی سیر (۱۵۹)، خاکستری (۸۱) - ۲۳۱، سیاه (۷۵) - ۷۶ - ۸۴ - ۹۲ - ۹۵ - ۱۵۱ - ۲۲۶ - ۲۳۲، سفید (۲۲) - ۵۱ - ۷۵ - ۱۵۱ - ۱۷۹ - ۲۳۲ - ۱۵۹، مشکی (۲۵) - ۱۴۲ - ۵۴ - ۸۱ - ۱۵۹ - ۱۶۰ - ۱۸۹).</p>	۷۰	رنگ‌واژه‌های خاص زنانه	۵
<p>آرایش غلیظ (۲۲)، گلدوزی (۳۱)، بارداری (۶۲) - ۳۵۰، حنا کردن دست (۷۲)، آرایش کردن (۷۲) - ۷۳ - ۳۴۷ - ۴۰۵، تمییز کردن خانه (۷۲)، رسیدگی به بچه (۷۲)، پر فیس و افاده بودن (۷۳)، فال قهوه (۸۷)، جا انداختن غذا (۸۸)، مرتب کردن خانه (۱۲۲)، آماده کردن غذا (۱۲۲)، شستن ظرف‌ها (۱۲۲)، سرطان دهانه رحم (۱۴۰)، حاملگی (۱۵۲) - ۱۵۳، زایمان (۱۵۳) - ۲۱۶، چادر سرکردن (۲۱۷)، زایمان (۲۲۶)، جیغ کشیدن (۲۲۶)، رنگ کردن مو (۲۲۸)، بخت خورشت (۲۵۱)، لوس شدن (۲۵۴)، ترشیده شدن (۲۶۳)، برنزه کردن (۲۷۰)، دوخت و دوز (۳۴۷)، شست‌وشو (۳۷۷)، آشپزی (۳۷۷)، لاک زدن (۴۲۵).</p>	۳۴	تجربه‌های خاص زنانه	۶



نمودار فراوانی نشانه‌های زنانگی در رمان دختران ریاض

۸. نتیجه‌گیری

سبک و نوشتار زنانه، نوعی کنش زبانی است که از سوی نویسندگان فمینیست و در راستای اثبات هویت زنانگی مطرح می‌شود. زبان زنانه نوعی الگوی زبانی است که از چشم‌انداز زنانه به مسایل می‌پردازد و وامدار تجربه‌های زنانگی است. در این راستا، رمان الگوی پیشنهادی فمینیست‌ها برای نمود زنانگی در نوشتار است. بر این اساس، نویسندگان زن بر آنند تا با کاربست تکنیک‌های مختلف داستان‌نویسی، این مهم را در نوشتار خود تحقق بخشند. در این میان "فریبا و فی" و "رجاء عبدالله صانع" از جمله نویسندگانی هستند که تجربه متفاوتی را در برساخت زبان زنانه در داستان‌هایشان به کار بسته‌اند. چنین تجربه‌ای ناظر بر فرآیندی نشانه‌شناختی است و از رهگذر برجستگی صدای زنانه در تقابل با تهی‌شده‌گی صدای مردانه در فضای روایتی دو رمان «پرنده من» و «دختران ریاض» تحقق می‌یابد. نظر به این امر، پژوهش حاضر با الگوگیری از نظریه زبان‌شناسی اجتماعی و با بهره‌گیری از روش تحلیلی کمی - کیفی این مهم را در هر دو داستان بررسی کرده و در نهایت به نتایج زیر رسیده است:

- هر دو نویسنده، الگوی نشانه‌شناختی همسانی را در برساخت زبان زنانه انتخاب نموده‌اند. در این الگو، مؤلفه‌هایی چون: اسامی خاص زنانه، ابزارهای خاص زنانه، فضای خاص زنانه، تجربه‌های خاص زنانه، رنگ‌واژه‌های خاص زنانه و صفت‌های خاص زنانه، مهم‌ترین و برجسته‌ترین نشانه‌های زنانگی در هر دو نوشتار هستند که نویسندگان، در تقابلی دیالکتیک و دوسویه، با کاربست پربسامد این نشانه‌های زنانه در قیاس با تقلیل (فروکاست) نشانه‌های مردانه و کاربست حداقلی آن‌ها در نوشتار خود، صدای زنانه را به صدای غالب روایت تبدیل کرده‌اند و به موازات آن، فرآیند تهی‌شده‌گی صدای مردانه در فضای کلی روایت را تحقق بخشیده‌اند.

- در این میان، آنچه مسلم است، تجربه متفاوت دو نویسنده در چگونگی کاربست این الگوی نشانه‌شناختی در داستان‌هایشان است. به‌طوری که در رمان «پرنده من» و در میان پربسامدترین نشانه‌های زنانه، اسامی خاص زنانه بیشترین فراوانی را دارد. در سویی دیگر و در میان پربسامدترین نشانه‌های زنانه رمان «دختران ریاض»، رنگ‌واژه‌های خاص زنانه بیشترین فراوانی را دارد.

کتاب‌نامه

- آبوت، پاملا و والاس کلا، *جامعه‌شناسی زنان*، ترجمه منیژه نجم عراقی، چ پنجم، تهران، نشر نی، ۱۳۸۷.
- بارانی، ام‌البنین و همکاران، «نقد و بررسی نوشتار زنانه در رمان سگ و زمستان بلند»، *دومین کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی با رویکرد بومی - اسلامی و با تأکید بر پژوهش‌های نوین*، مازندران، ۱۳۹۵.
- باقری خلیلی، علی‌اکبر و زهرا مقلّسی، «بررسی تأثیر جنسیت بر زبان پاره‌ای از نویسندگان زن و مرد معاصر ایران، *فصلنامه تخصصی زبان و ادبیات فارسی*، شماره ۴، صص ۴۰-۱۷، ۱۳۹۴.
- برکت، بهزاد، «زنانگی نوشتار؛ دیباچه‌ای بر روش‌شناسی نسبت زبان و جنسیت»، *مجله زبان فارسی و گویش‌های ایرانی*، شماره ۳، صص ۳۹-۲۳، ۱۳۹۶.
- بهرامی برومند، مرضیه و اسفندیاری، ظهرا، «معنای نمادین فضاها و پیام‌های جنسیتی: طرد اجتماعی زنان»، *نشریه هفت‌شهر*، شماره ۶۱، صص ۹۴-۱۰۷، ۱۳۹۷.
- تایسن، لوئیس، *نظریه‌های نقد ادبی معاصر*، ترجمه مازیار حسین‌زاده و فاطمه حسینی، تهران، نگاه امروز، ۱۳۸۷.
- تسنیمی طالبیان، علی و احمدرضا بیابانی، «بررسی زبان نوشتاری زنان بر اساس نظریه گفتمان جنسیتی»، *فصلنامه مطالعات نظریه و انواع ادبی*، شماره ۳، صص ۳۶-۷، ۱۳۹۵.
- حسن‌زاده دستجردی و سید مصطفی موسوی راد، *پژوهشنامه نقد ادبی و بلاغت*، شماره ۱، صص ۷۰-۵۱، ۱۳۹۳.
- چندلر، دانیل، مبانی نشانه‌شناسی، ترجمه مهدی پارسا، چاپ دوم، تهران، سوره مهر، ۱۳۸۷.
- دستغیب، عبدالعلی، «رمان ایرانی»، *مجله نقد و بررسی کتاب*، شماره ۲۱، ۲۰-۲۹، ۱۳۸۶.
- رضوانیان، قدسیه و سروناز ملک، «بررسی تأثیر جنسیت بر زبان زنان شاعر معاصر»، *مجله شعر پژوهشی (بوستان ادب)*، صص ۷۰-۴۵، ۱۳۹۲.
- روحانی، مسعود و سروناز ملک، «بررسی تأثیر جنسیت بر کاربرد تشبیه و استعاره در شعر زنان شاعر معاصر»، *فصلنامه زبان و ادبیات فارسی*، شماره ۷۴، صص ۲۷-۷، ۱۳۹۲.
- شرتونی، رشید، *مبایذ العربیة*، تنقیح و اعداد: حمید المحمدی، قم، دارالعلم، ۱۴۲۳.
- شرتونی، رشید، *مبایذ العربیة*، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۷۹.
- سراج، علی، *گفتمان زنانه*، تهران، انتشارات روشنگران و مطالعات زنان، ۱۳۹۴.

تهی شده گی صدای مردانه در ... (جواد گرجامی و علی عباسعلی زاده) ۲۵۷

طاهری، قدرت الله، «زبان و نوشتار زنانه، واقعیت یا توهم»، *فصلنامه زبان و ادب پارسی*، شماره ۴۲، صص ۱۰۷-۸۷، ۱۳۸۸.

عبدالکریمی، سپیده، *فرهنگ توصیفی زبان شناسی اجتماعی*، تهران، گل آذین، ۱۳۹۲.

عبدالله صانع، رجاء، *دختران ریاض*، ترجمه زریندخت بروجردیان، تهران، نشر علم، ۱۳۸۸.

فتوحی، محمود، *سبک شناسی*، تهران، سخن، ۱۳۹۱.

فیاض، ابراهیم و زهره رهبری، «صدای زنانه در ادبیات معاصر ایران»، ش ۴، ۱۳۸۵.

قاسم زاده، سیدعلی و فاطمه اکبری، «مؤلفه های نوشتار زنانه در رمان سرخی تو از من»، *مجله زبان و ادبیات فارسی*، صص ۲۰۵-۱۸۱، ۱۳۹۵.

گرجامی، جواد، «سیالیت نشانه های ادبی در ترجمه متن شعری؛ مورد پژوهانه: ترجمه دیوان آغانی مهیار الدمشقی ادونیس»، *مجله پژوهش های ترجمه در زبان و ادبیات عربی*، شماره ۱۵، صص ۱۵۹-۱۸۲، ۱۳۹۵.

گرین، کین، جیل لبیهان، *درستنامه نظریه و نقد ادبی*، ترجمه حسین پاینده و گروه مترجمان، تهران، روزنگار، ۱۳۸۳.

مدرسی، یحیی، *درآمدی بر جامعه شناسی زبان*، تهران، نقش جهان، ۱۳۶۸.

محمودی بختیاری، بهروز و دهقانی، مریم، «رابطه زنان و جنسیت در رمان معاصر فارسی: بررسی شش رمان»، *پژوهش زنان*، شماره ۴، صص ۵۴۳-۵۵۶، ۱۳۹۲.

نیکویخت، ناصر و همکاران، «روند تکوین سبک زنانه در آثار زویا پیرزاد؛ تحلیلی بر پایه سبک شناسی فمینیستی»، *فصلنامه نقد ادبی*، شماره ۱۸، صص ۱۵۲-۱۱۹، ۱۳۹۱.

وفی، فریبا، *پرنده من*، چ بیست و هشتم، تهران، نشر مرکز، ۱۳۹۶.

Spender, D, *Man Made Language*, London: Routledge, 1980.

Mills, Sara, *Feministic, Stylistic*, London: Routledge, 1995.